

عنوان مقاله:

بررسی جایگاه «مصلحت»، در فقه مذاهب با رویکرد حلّ مصالح متعارض در اصل تکلیف

محل انتشار:

فصلنامه فقه، دوره 27، شماره 104 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 29

نویسندگان:

سید ابوالحسن نواب - دانشیار گروه مذاهب فقهی دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.

اسدالله رضایی - پژوهشگر و مدرس دانشگاه ادیان و مذاهب قم.

خلاصه مقاله:

مصلحت به معنای خیر و صلاح معنوی بندگان در اثر تشریح احکام الهی، فعال‌ترین عنصری است که همه ابواب فقه را پوشش می‌دهد و از کارآمدی چشم‌گیری در فقه مذاهب برخوردار است، اما اینکه این کارآمدی جنبه استقلالی دارد و با آن معامله دلیل مستقل می‌شود، یا به عنوان ابزار در فرایند استنباط نقش آفرینی می‌کند، محل بحث است؛ نقش ابزاری مصلحت مورد توافق مذاهب است اما در نقش استقلالی آن هم‌سویی وجود ندارد. دستاورد تحقیق نشان‌دهنده این است که هرچند فراوان به مالک و ابن‌حنبل و حتی شافعی، باور به استقلالیت مصلحت نسبت داده می‌شود، ولی این باور، از منابع فقهی و اصولی آنان قابل اثبات نیست. اما ورود عنصر مصلحت، از طریق اعتبار استحسان در فقه احناف، مالکیه و حنابله، و از طریق قیاس در فقه شافعیه، دارای شواهد فراوانی است که در این صورت، خلط مفهومی میان استحسان و مصالح، بعید نیست. در عین حال، نقش آفرینی وسیع عنصر مصلحت در فقه مذاهب، تعارض مصالح مختلف در متعلق تکلیف را به عنوان محوری‌ترین نقطه در پی داشته و حل آن، در تقدم مصالح ذات عمل، بر مصالح جانبی، است.

کلمات کلیدی:

مصلحت تکلیف، مصلحت قیاسی، استقلالیت مصالح، استحسان، مصالح متعارض

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1158077>

